

اعتراض دکتر سحابی به افترایات کیهان

بسمه تعالی

اداره روزنامه کیهان

در شماره ۱۰۲۸۵ مورخ ۱۶ مهرماه جاری آن روزنامه خبری تحت عنوان «تظاهرات عوامل مارکسیست اسلامی در پاریس و شهرری» درج شده بود که حاوی بسیاری از مطالب غیر واقع و تغییر مفاهیم و نسبتهای ناروا بوده و لذا از جهت توضیح و تکذیب آنمطالب، این نامه را تقدیم و بنام حق و قانون تقاضا میکنم که متن آنرا بدون تغییر در روزنامه دستور چاپ فرمایید و از حسن توجهی که در این باره مبذول خواهید داشت قبلاً تشکر میکنم.

۱ - اینجانب از جمله افرادی بودم که روز جمعه ۱۵ مهرماه جاری بنابعدعوت عمومی که مضمون آن در ذیل صفحه ۳ نقل شده است بحکم وظیفه دینی و ملی و بخصوص که فرزند من هم جزء زندانیان ستمدیده سیاسی است بحضرت عبدالعظیم رفتیم و در ساعت ۴/۵ بعد ازظهر باتفاق چند صد نفر دیگر که حضور یافته بودند، بهمان نحو که در دعوت نامه قید شده بود، در صحن شمالی حرم در مراسم زیارت و دعا شرکت نمودم. پس از خاتمه دعا هم جمعیت با آرامش و سکوت متفرق گردید و من و همراهم نیز بشهر بازگشتیم.

در تهران شنیدیم که پس از مراجعت ما، جمعی از شرکت کنندگان تازه وارد که همراه آنان عده ای از خانها دردمند منسوب بزندانیان بودند، چون دیر رسیده بودند، در سه راهی ورامین و در محل پارکینگ زاویه مقدسه اجتماعی نموده و شعار و فریاد دادخواهی بلند کرده اند، ولی مأمورین پلیس با ضرب و شتم با آنان رفتار نمودند و بشهادت ناظرین، عده ای از آنان و از جمله چند نفر از خانهای محجبه را بسختی مضروب و بکلانتری منتقل و روانه زندان کرده اند، چنین مفاهیم از خبر آن روزنامه مستفاد نمیشد.

۲ - درچند جا از خبر روزنامه، از آیت الله خمینی با بی احترامی نام برده اید و دفاع ایشان را از مقررات دین بعنوان مخالفتهای تحریک آمیز راجع باصطلاح ارضی و تساوی حقوق زن و مرد و غیره متذکر شده اید، در حالی که ایشان در مقام مرجعیت و فتوا، نظری جز دفاع از حریم دین و روشن بینی مردم بحقایق اسلام نداشته و ندارند. وقتی دستگاه حاکمه با بی احترامی نسبت باآقای خمینی رفتار میکند و شما هم مجبور میشوید که در روزنامه خود از ایشان، و دور از جناب ایشان مانند فرد معترض خطاکار با کسرو تخفیف نام ببرید، آیا قلب و روح علاقمندان و تقاضاکنندگان از ایشان را رنجه و آزرده نمیسازید؟

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان بزشتی برد

در این اوقات که گفتارها و مصاحبه ها و نوشته های زیاد از طرف مقامات مختلف مملکت راجع باآشفتگی اوضاع کشور و تنگناها و بحرانها و فسادهایی که در شیون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و زندگی عادی ما پدید آمده است، منتشر میشود و مردم را بخوشبینی و همکاری فرا میخوانند، آیا با این چنین بی اعتنائی و بی حرمتی نسبت بااعتقادات باطنی مردم، انتظار همدلی و همکاری آنانرا میتوان داشت و آیا با رواج بی حد دروغ و ریا و تملق و سایر فسادها و بدون اقدام اساسی در رفع آنها امید برای اصلاح آشفتگی های موجود جامعه میتوان پیدا کرد؟ در چند جا از خبر روزنامه تأییداحتمالی آیت الله خمینی از آقای سید مهدی هاشمی را خطا و کار نادرستی از آقای خمینی جلوه داده اید و اولاً چنین تاییدیه محقق و قطعی نمیباشد تا کنون کسی از آن جز آنچه در روزنامه های تهران نوشته و مامورانی که چنین خبر را بروزنامه ها داده اند چیزی نشنیده و یا نخوانده است. ثانیاً بفرض آنکه چنین دفاع صورت گرفته باشد، با توجه بآنکه بی گناهی آقای هاشمی در قتل مرحوم شمس آبادی بحد شیاع رسیده و زبانزد هر محفل و مقام است، چه خطا و امر خلافی صورت گرفته است؟ مگر کسی حق ندارد عقیده خود را در باره فردی که مورد محاکمه است و برای

روشن شدن ذهن دادرسانی که آن فرد محاکمه میکنند، ابراز نماید؟ آنهم کسی که مرجع تقلید است و مورد ارجاع تظلم و دادخواهی. اظهار نظر احتمالی در بیگناهی آقای هاشمی دلیل بر عدم وجود جرم نسبت بقتل فقید مرحوم آقای شمس آبادی نیست. باید دور از جنجال و غرض ورزی و یاتحقیق و دقت بیشتر مجرم و یا مجرمین را شناخت و بر طبق قانون آنانرا محاکمه نمود.

۳ - اما راجع باقای اطف الله میثمی و فرزند من مهندس عزت الله سحابی که در چند جا از روزنامه آنانرا وابسته و کارگردان مارکسیست اسلامی و تروریست معرفی نموده اید. ابتدا باید دید مارکسیست اسلامی یعنی چه؟ این اصطلاح وشایعه آن از مخترعات و ساخته و پرداخته های ماموران بدخواه و نفاق افکن امنیت مملکت است، مسلمان مومن و عامل، ممکن نیست مارکسیست باشد. همینطور که مارکسیست ها هم باصول اسلام و عمل بمقررات دین پایبند نمی باشند. آنانکه ادعای مارکسیسم اسلامی را می کنند ویا چنین ادعا را نسبت بدیگری میدهند، ادعایشان گزافه ای بیش نیست. مهندس میثمی و فرزند من مهندس سحابی مسلمان عامل اند و دلی در گرو مارکسیسم ندارند. خاطره و آگاهی من از آقای میثمی فقط مربوط به ایام دانشجویی اوست و از دوره های بعد زندگی ایشان اطلاع کافی ندارم. بنا بر خبر روزنامه شما دو چشم آقای مهندس میثمی در گیرودار نابینا شده است و گویا از یکدست هم محروم است و من نمیدانم با کدام رحم و انصاف این جوان مصدوم را هنوز اسیر زندان نموده اند. این جوان بشهادت آنانکه او را میشناسند و بنقل قول از آنانکه در زندان او را دیده اند، وی مسلمانی است مخلص و جز باآداب اسلامی عمل نمیکند و بستگی بمارکسیسم ندارد. فرزند من مهندس سحابی قبلاً پنج سال متناوب و حالا شش سال متوالی است که بجهت حقگویی و حق خواهی، ولی باتهام واهی اقدام بر علیه امنیت

کشور در زندان است آنهم زندان تبعیدی در شیراز. در موقعیکه محکومیت سنگین ۱۱ سال زندان جدید را برای فرزند من تعیین می کردند، از اتهام جدید مارکسیست اسلامی و تروریستی هیچ خبری نبود و چیزی از این مقولات در پرونده محکومیت اصلی او منعکس نمیشد، ولی حالا او را مارکسیست و تروریست و حتی گرداننده چنین گروهها معرفی مینمایند و شما هم این افتراهای سوزآور را در روزنامه خود منتشر مینمایید. فرزند من مهندس عزت الله سحابی بقدر وسع پویای راه خدا و آرزومند خدمتگزاری بخلق خدا است از تربیت خانوادگی و سازمان فکری و منش و روش و خاطره افرادی که او را می شناسند و با او زندگی کرده اند و حتی مامورانی که بنحوی با او در زندان در تماس بوده اند گواه بر این مصداق است. از خدمات علمی و اجتماعی فرزند خود مهندس سحابی در فواصل کوتاه آزادی که بین دوره های زندان داشته است بهتر است نذری ننمایم تا نه موجب طول کلام شود و نه احتمال ریا. در اینجا لازم است متذکر شوم که در این نامه مطلقاً نظری در دفاع از دین و یا انتقاد از عقیده مارکسیسم نیست و اقتضای چنین بحث در اینجا نمیباشد..... آنچه فعلاً توضیح آن مبادرت شده نسبتهای خلاف واقع و دور از حقیقتی است که برای انحراف افکار عمومی و تحریک بر علیه جمعی از مسلمانان گرفتار و بیگناه، بوسیله ایادی بدخواه در آن روزنامه و سایر روزنامه ها منتشر شده است. این نسبتهای ناروا و اتهامات تازه ساز بی اساس که برای زندانیان محروم و بیدفاع، ناراحتی ها و فشارهای روحی جدید ایجاد میکنندو برای فرزندان و مادران و همسران و دیگر بستگان در انتظار آنان نگرانی و زخم تازه ای بردل ریش آنان میگذارد، با هیچیک از موازین انسانیت و آزادگی وفق نمیدهد و در این مقال بیان سرور شهیدان، در لحظات آخرحیات، در خطاب بماموران فریبکار عبیدالله و یزید ستمکار بهترین زبان حال و حسن ختام است که فرمود: اگر برای شما دینی نیست و از فرجام اعمال ناپسند خود نمی هراسید، پس اقلأ در دنیای خود آزاد مرد باشید.

ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعادفکونوا احراراً فی دنیاکم

یدالله سجابی

استاد سابق دانشگاه

۲۰/مهر/۱۳۵۶